

Interpretive Innovations with Focus on Surah Al-Mumtahanah in Light of Ayatollah Khamenei's Interpretive Method

Mahin Pakravan*

Department of Comparative Interpretation, Masumieh Institute of Higher Education, Qom, Iran

Abstract

Surah Al-Mumtahanah, a Madani surah of the Quran, was revealed at a time when the Islamic government was being established and official relations with followers of other Abrahamic religions and Mushriks were in the offing. It emphasized the need for Muslims to learn the principles of socio-political life. One of the goals of this Madani surah was to reform relationships and replace them with rationality in social interactions. Al-Mumtahanah, a short surah with 13 verses, was revealed with the aim of enlightening people about the dividing line between kufr and faith. This surah discusses the rulings on the type of relationship with disbelievers, the necessity of severing friendship with those who are hostile, and the determination of the fate of those who migrate to Muslim lands. Ayatollah Khamenei, a jurist and interpreter with a comprehensive approach and an emphasis on religious governance, has interpreted the surah in light of international relations and the need to observe the dividing line between kufr and faith among the hostile, and its role in strengthening nations and repelling the dominance of global colonialism. In doing so, he has employed the tool of contemplation and, by applying the verses to the social conditions of future eras, has proven the universality and generality of the Quran. In this way, he has presented a model for reforming international relations and saving humanity from the yoke of colonialism using the principles of human dignity and honor. His views on religious governance have attracted the attention of researchers, which has paved the way for the writing of numerous articles on this subject. The present research, using a descriptive-analytical and library method, compares the interpretation methodology of Ayatollah Khamenei with that of four contemporary Shia and Sunni interpreters, and aims to discover the overall interpretive approach as well as the innovations and political views of His Eminence.

Keywords: Religious governance, dividing line between kufr and faith, interpretation and contemplation, Ayatollah Khamenei.

* Email: m.pakravan40@chmail.ir

نوآوری‌های تفسیری با محوریت سوره ممتحنه در تفسیر حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

مهین پاکروان * ۱

چکیده

سور مدنی قرآن در موقعیت تشکیل حکومت اسلامی و آغاز روابط رسمی با پیروان سایر ادیان ابراهیمی و مشرکان، نازل شده و آموزش اصول زیست اجتماعی - سیاسی را بر مسلمانان ضرورت بخشیدند؛ اصلاح روابط و جایگزینی عقلانیت در روابط اجتماعی از اهداف سور مدنی بوده است؛ ممتحنه، سوره‌ای کوتاه، حاوی ۱۳ آیه، با غرض تعلیم صف‌بندی ایمان و کفر نازل گشته است، در این سوره احکام مربوط به نوع رابطه با کفار و لزوم قطع دوستی و مودت با معاندان، همراه با تعیین تکلیف مهاجران به بلاد مسلمان بیان شده است. آیت‌الله خامنه‌ای، به‌عنوان فقیهی مفسر با نگرشی جامع و تأکید بر حکمرانی دینی، سوره را با توجه به روابط بین‌الملل و لزوم رعایت صف‌بندی ایمان و کفر معاند و نقش آن در تقویت ملت‌ها و دفع سلطه استعمار جهانی تفسیر کرده و در آن، از ابزار تدبیر بهره برده و با تطبیق آیات بر شرایط اجتماعی اعصار آینده، جهان‌شمولی و همگانی بودن قرآن را به اثبات رسانده‌اند و بدین ترتیب الگویی برای اصلاح روابط بین‌المللی و نجات بشریت از یوغ استعمار با استفاده از اصول کرامت و شرافت انسانی را ارائه کرده‌اند. بررسی دیدگاه ایشان در حکمرانی دینی، مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته که زمینه‌ساز نگارش مقالات متعدد با این موضوع شده و پژوهش حاضر نیز به روش توصیفی - تحلیلی و کتابخانه‌ای، ضمن مقایسه تفسیر آیت‌الله خامنه‌ای و چهار تن از مفسران معاصر شیعه و سنی، کشف دیدگاه کلان تفسیری و نیز نوآوری‌ها و دیدگاه‌های سیاسی معظم‌له را به‌عنوان هدف خود لحاظ کرده است.

واژگان کلیدی: حکمرانی دینی، صف‌بندی ایمان و کفر، تفسیر و تدبیر، آیت‌الله خامنه‌ای.

۱. دانشیار گروه علوم قرآنی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآن تهران، ایران

مقدمه

مفهوم حکمرانی، مفهومی سرگردان است؛ مراد، حکومت‌داری یا آداب مُلک‌داری نیست، بلکه مفهومی که از اواسط قرن ۲۰ میلادی وضع شد و مورد توجه قرار گرفت؛ با این مضمون که افزون بر قدرت حکومت و بخش خصوصی، ارزش‌ها و گروه‌هایی عمومی در جامعه وجود دارد که حاکم بر دولت‌هاست و در حال تعارض بین دولت و ارزش‌ها، آن‌ها را تعدیل کرده یا به زیر می‌آورند؛ در این شرایط، اصل، حاکمیت آن ارزش‌هاست؛ که با محوریت عرفی خاص تعیین می‌شوند، قطعاً شرایط مختلف عرفی، مغیّر ارزش‌هاست، ولی در اسلام حکمرانی، با مفهومی بسیار بسیط، همه عرصه‌های مملکتی را دربر می‌گیرد؛ در حکمرانی دینی، دین اصل است و همه وجوه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... را پوشش می‌دهد، ارزش‌ها را خدا تعیین و حاکم می‌کند، از بین مردم، سراغ متقین می‌رود و مدیریت را به شایستگان می‌سپارد، بازیگران حکمرانی و مسئولان پیگیری امور، باید جزء برترین‌های جامعه؛ یعنی انبیا و صالحان باشند. در پژوهش حاضر که با روش توصیفی-تحلیلی و محوریت سوره مبارکه ممتحنه انجام گرفته، مسأله اصلی بررسی دیدگاه تفسیری ولیّ امر مسلمین آیت‌الله خامنه‌ای، نوآوری‌های تفسیری و دیدگاه‌های سیاسی ایشان در سوره ممتحنه با توجه به موضوع حکمرانی دینی است تا به رویکرد مفسری دست یابد که در جایگاه فقیه جامع‌الشرایط و امام جامعه، نگاه خود در تفسیر آیات قرآن، را به گستره‌ای از روابط، معطوف داشته که در اُمت واحدی محصور نیست، بلکه بشریت را مخاطب قرار داده و خواستار آن است که قرآن، به‌عنوان برنامه زندگی همه انسان‌ها مورد توجه قرار گیرد و اُمت مسلمان به‌صورت کلان به رابطه با سایر ملل بیندیشد؛ با بصیرت، دوستان را شناسایی و صف‌بندی خود با دشمنان خدا را به‌صورت شفاف و قدرتمند حفظ کند، تا بدین ترتیب هدف جهانی قرآن که هدایت بشر و تعالی انسان در زندگی جمعی است، محقق گردد. دست‌یابی به این هدف، ضمن مقایسه تفسیر ایشان در این سوره با تفسیر اجتماعی چهار تن از مفسران معاصر در همین سوره؛ علامه طباطبایی در المیزان، آیت‌الله مکارم در نمونه، ابن‌عاشور در التنویر و التحریر و سید قطب در فی ظلال القرآن، با توجه به تأکید معظم‌له بر تدبیر در پیام وحی و تطبیق آن بر شرایط جهان معاصر امکان‌پذیر است و از دیدگاه کلان ایشان پرده برمی‌دارد. دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در موضوع «حکمرانی دینی» از سوی پژوهشگران متعددی مورد واکاوی و نگارش قرار گرفته است؛ از جمله: «بعثت نبوی، حکمرانی دینی و انتخابات» نگاشته: فیروز اصلانی، «الگوی حکمرانی خوب در نظام مردم‌سالاری دینی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای» از مهدی بشارت، «ماهیت دولت اسلامی در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای» نگارش: عباس نوری، «حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی» از محمد ناظمی اردکانی.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تقسیم کردن سوره ممتحنه در بخش‌هایی متناسب، با تدبیر در آیات که ابزار مهمی در کشف عمیق‌تر مفاهیم قرآن است و تطبیق آن‌ها بر حوادث و رخداد‌های عصر حاضر، مقاصد کلام خداوند در آیات سوره را روشن کرده‌اند. شفاف‌سازی دیدگاه معظم‌له در استفاده مؤکد ایشان از ابزار تدبیر در آیات و بهره‌مندی از روایات و تطبیق محتوای آیات بر رخداد‌های جهان معاصر، ضمن مقایسه تفسیر ایشان با تفسیر چهار شخصیت شناخته شده اجتماعی معاصر صورت گرفته که در قالب بیان نقاط مشترک و تمایزات تفسیری آن‌ها انجام شده است. همچنین دیدگاه‌های سیاسی ایشان در محدوده سوره ممتحنه در حد توان، احصا و بیان شده است.

۱. دیدگاه کلان

آیت‌الله خامنه‌ای به موضوع حکمرانی دینی توجه خاص دارند؛ اینکه در حکومت، احکام باید از سوی خداوند تعیین و به صالحان و افراد متقی جامعه سپرده شود و نباید افراد غیر صالح و بی‌تقوا حکومت را به دست بگیرند که نتیجه آن، حاکمیت اصول و قوانین خودساخته بشری خواهد بود و همواره با اختلاف شرایط و خواسته‌های حاکمان تغییر می‌کند و تبعاً رشد و کمال حقیقی جامعه حاصل نخواهد شد. در حالی که حکومت صالحان، جامعه را به صلاح و رستگاری مبتنی بر حکمت و تدبیر الهی رهبری می‌کند و ثمره‌اش، رشد و شکوفایی ظرفیت‌های والای انسان و قرب به خداوند است؛ ایشان قرآن را مهم‌ترین و جامع‌ترین منبع قابل اعتماد و خدشه‌ناپذیر برای استخراج اصول حیات اجتماعی بشر می‌دانند. این نگرش، زمینه‌ساز رویکرد ویژه و منحصر به فرد ایشان در پرده‌برداری از چهره آیات وحی شده و به‌وضوح در تفسیر ایشان، اثرگذار بوده است. افزون بر تأکید و تصریح ایشان بر امر تدبیر که کارآمدترین ابزار برای فهم عمیق‌تر مقصودهای خداوند به‌شمار می‌آید. آشنایی ژرف ایشان به ویژگی خاص «جاودانگی و جهان‌شمولی» قرآن، به امکان هموارسازی چالش‌های اجتماعی، حتی در سطح بین‌الملل و پیاده‌سازی پیام وحی در همه جوامع بشری، بدون انحصار آن در قشر، صنف یا زمان خاص، عقیده منتهی شده است، به‌گونه‌ای که بر این مهم در تفسیر خود، تأکید و تطبیق آیات بر شرایط جوامع گوناگون را با اصرار خاصی دنبال می‌کنند و اجتماعی بودن محتوای سوره ممتحنه بر این رویکرد معظم‌له صحه می‌گذارد.

۲. روش تفسیری

آیت‌الله خامنه‌ای در تفسیر سوره ممتحنه، از روش تفسیر قرآن به قرآن همراه با بهره‌بردن از روایات و نیز روش عقلی استفاده کرده و به پرده‌برداری از چهره مفاهیم آیات پرداخته‌اند. افزون بر اینکه به اصل تدبیر که مهم‌ترین ابزار درک صحیح‌تر و عمیق‌تر مقاصد الهی است، توجه ویژه داشته که این عملکرد، امتیاز تفسیری ایشان به‌شمار می‌آید و به تناسب شرایط که برگرفته از پیام وحی است،

و با الغای خصوصیت از سبب یا شأن نزول آیات، محتوای آن‌ها را بر احوال جوامع بشر معاصر تطبیق داده‌اند؛ مجموع این سبک تفسیری، روشی جدید در تفسیرهای اجتماعی را رقم زده است که می‌تواند در بنیان‌گذاری قواعد و اصول تفسیر با رویکردی جدید و پیشرفته، در حوزه قرآن‌پژوهی در عصر حاضر مورد توجه جدی قرار گیرد. ایشان غرض اصلی سوره ممتحنه که حاوی ۱۳ آیه است را آموزش اصلاح رابطه با کفار معاندی دانسته‌اند که معارضه و تعدی ظالمانه به سرزمین‌های دیگر به‌خصوص بلاد اسلامی را ابزار استثمار و حاکمیت ظلم و زور خود قرار داده‌اند؛ معظم‌له معتقدند: «این سوره، اهمیت بسیاری در زمینه حرکت انقلابی، چه هنگام سلطه ستمگران و چه هنگام گشایش و حکومت حق دارد؛ در این سوره، خدای متعال به ما می‌آموزد که حدود و مرزها را در برابر دشمن گم نکنیم، در مقابل دشمن نرمش نشان ندهیم و دشمن را آنچنان که هست دشمن بدانیم» (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۱۴)؛ ایشان خطر صف‌بندی میان مسلمانان و دشمن را حائز چنان اهمیتی دانسته‌اند که نباید هرگز از دید ملت مسلمان پنهان بماند؛ با این تعلیل که دشمن در مقابل مسلمانان است و قصد نابودی آنان را دارد، ولی امت اسلامی بی توجه به نوع عملکرد خود و بدون اینکه ایمانش را از دست داده باشد یا نفاقی در کار باشد، به‌گونه‌ای با دشمن سازش می‌کند که منتهی به نابودی خود و راه و انقلاب‌شان می‌شود و این خطر بزرگی است (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۱۵)؛ در ادامه به مواردی از گونه‌های روش تفسیری ایشان، اشاره می‌شود:

۲-۱. تفسیر

آیت‌الله خامنه‌ای در رویکرد تفسیری خود، هر دو سه آیه را در یک بخش تفسیر کرده‌اند؛ بعد از ترجمه لفظی آیات، مروری اجمالی بر محتوای سوره نموده و سپس برای آیات سیری تدریجی را ذکر کرده‌اند که از موردی شخصی آغاز شده و به‌سوی گستردگی مطلب نسبت به همه اعصار پیش می‌رود؛ در تفسیر، از شیوه تفسیر قرآن به قرآن بهره جسته و روایات را مؤید مطلب قرار داده‌اند؛ برای مثال در نخستین آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ...»؛ ابتدا معانی متعدد واژه «ولی» را ذکر کرده؛ مانند: دوست، هم‌پیمان و سپس نظر خود را گفته‌اند: به قرینه، دوست‌دارای رابطه دوستانه مراد است، نه دوستی که شخص را واقعاً دوست دارد و به او محبت دارد. قرینه مورد استفاده، نوع رابطه حاطب بن ابی بلتعنه بوده که عملش، شأن نزول آیه شد؛ وی با کفار قریش رابطه عاطفی نداشته، بلکه پیوند دوستی برای رفع مشکل خانواده‌اش برقرار کرده بود. سپس به تفسیر آیه پرداخته‌اند: «خداوند می‌فرماید که دشمن من و خودتان را دوست خود نگیرید و سپس دو خصوصیت برای آن دشمن بیان می‌کند»؛ ایشان استفاده کرده‌اند: بنابراین اگر کافر فقط يك خصوصیت را داشته باشد، مشمول آیه نمی‌شود، در ادامه خداوند دو خصوصیت: کفر به

اسلام، قرآن و معارف الهی: «وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ»؛ و اخراج پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و مؤمنان از سرزمین خود: «يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ»؛ را معیار دشمن دانستن کفار اعلان کرده است.

ایشان در بخش دوم که شامل آیات ۴ تا ۶ است، روش ابراهیم علیه‌السلام که به‌عنوان الگو برای مؤمنان معرفی شده را بسیار مهم و روش همه پیغمبران الهی دانسته؛ که هر کدام به مرحله‌ای که ابراهیم رسید برسند؛ یعنی در اطراف خود کسانی داشته باشند که آن‌ها مؤمن باشند و بتوانند دعوت خودشان را اظهار کنند، باید از کسانی که در مقابل آن‌ها هستند، صریحاً تبری نمایند (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۳۹)؛ ایشان در ادامه آیات را ترجمه و پس از ذکر معنای واژگان مهم‌تر، آیه را تفسیر کرده‌اند: «تبری کردن به معنای برانگیزستن و دوری نمودن از مشرکان و صف‌بندی میان مؤمن و مشرک یا کافر به وجود آوردن است و اسوه به معنای اقتدا و پیروی و اینکه حکم تبری از کفار و جدا شدن از آنان را به مسلمانان اطراف پیامبر منحصر ندانسته، بلکه در طول تاریخ همواره چنین بوده است؛ و دعای حضرت، به ما یاد می‌دهد که روبه‌رو شدن با دشمن و فشار سختی و رنج، نباید انسان را به پناه بردن به دشمن وا دارد، بلکه باید بر خدا تکیه کرد: «رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا» (ممتحنه: ۴)؛ توکل یعنی کار را به او واگذار کردن؛ «وَإِلَيْكَ أُنَبِّئُ»؛ به تو انابه می‌کنیم، به تو برمی‌گردیم؛ یعنی اگر مشکلی برایشان پیدا شد، برمی‌گردیم پیش خودت». ایشان بلندی معنای آیه را با ذکر یک تشبیه، تسهیل کرده‌اند: آن فرزندی که از چیزی رنج ببیند، ناراحتی ببیند، کجا خواهد رفت؟ در آغوش پدر و مادر؛ چون از همه به او مهربان‌تر پدر و مادرش هستند (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۵۵)؛

و در آیات ۷ تا ۱۱ که سومین بخش سوره قرار داده شده و به احکام مرتبط با کافران اختصاص دارد؛ سه موضوع ارتباطی را به تفکیک و بدون پرداختن به مفهوم واژگان یا نکات ادبی، توضیح داده‌اند؛ نخست: برقراری رابطه مجدد با کافرانی که ایمان آورده‌اند: «عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً» (ممتحنه: ۷)؛ ایشان حکمت حکم در آیه را این‌گونه تبیین کرده‌اند که خداوند می‌خواهد انسان عواطف خود را کنترل کرده و آن را تابع عقل قرار دهد، خواه در قطع رابطه و خواه در برقراری آن؛ و با روایتی از امام صادق علیه‌السلام: «الْمُؤْمِنُ أَخُ الْمُؤْمِنِ لِأَبِيهِ وَأُمِّهِ» (مجلسی، بحار الانوار: ۷۴/۶۴)؛ آن را تأیید نموده‌اند (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۶۶)؛ و موضع مقابل آن را با سخن امیرمؤمنان علی علیه‌السلام استشهد کرده‌اند: «وَلَقَدْ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ نَقْتُلُ آبَاءَنَا وَ أَبْنَاءَنَا وَ إِخْوَانَنَا وَ أَعْمَامَنَا» (نهج البلاغه، خطبه ۵۶)؛ (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۶۸)؛ دوم: کفاری که به خدا ایمان و اعتقاد ندارند و حتی ممکن است قلباً دشمن خدا باشند، اما به مسلمانان تعرض نکرده‌اند، مسلمانان باید با آن‌ها دوستی کنند «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ

الَّذِينَ لَمْ يقاتِلُوا فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوا مِنْ ديارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه: ۸)؛ و سوم: کافرانی که با مسلمانان جنگیده‌اند: «إِنَّمَا ينهاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قاتَلُوا فِي الدِّينِ» (ممتحنه: ۹)؛ و توضیح داده‌اند: «جنگ هم دو جور است: جنگیدن ظاهری و جنگیدن مخفیانه و از پشت خنجر زدن؛ همچنان‌که در آن روزگار، بعضی از یهودی‌های همسایه مدینه که این همه هم زیر بار محبت اسلام و مردم مدینه بودند، از پشت خنجر می‌زدند» (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۷۲)؛

ایشان هم‌زمان به تفسیر روایی آیه پرداخته و از کلام معصوم علیه السلام استفاده کرده‌اند که در پاسخ به این پرسش: که آیا در دین محبت و بغض است؟ فرمود: «وَهَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ وَ الْبُغْضُ» (کافی: ۲ / ۱۲۵)؛ و گفته‌اند: «اصلاً دین، یعنی حُب و بغض؛ و این درست هم هست؛ دین از محبت خدا شروع می‌شود تا محبت اولیای خدا، محبت به انسان‌ها، محبت به بندگان خدا، محبت به مخلوقات خدا و فرآورده‌های کارخانه‌ی صُنْع الهی و [نیز] بغض با دشمنان خدا، با مبغضان خدا، با مبغضان پیغمبر صلی الله علیه و آله و همین‌طور [تا پایان]. اصلاً دین یعنی این صف‌بندی» (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۷۶)؛

ایشان در تفسیر آیه ۱۰ که درباره زنانی سخن گفته که با ادعای ایمان، به سوی مسلمانان هجرت کرده‌اند، گفته‌اند: «آمدن این زنان، آمدن هجرت باشد؛ یعنی آمده‌اند که بمانند: «فَأَمَّتْ جُوهُنَّ»؛ و امتحان آنان را با هدف نفی سایر فروض احتمالی دانسته و اینکه آیه به نوع خاصی از امتحان اشاره ندارد، آن‌طور که بعضی مفسران اقسامی برای آن بیان کرده‌اند. آیت‌الله خامنه‌ای در توضیح مطلب، به نکته‌ای ادبی اشاره نموده‌اند: «تَرَجُّعُهُنَّ» که ثلاثی مجرّد است، هم صیغه لازم و هم صیغه متعدّدی استفاده می‌شود؛ رجوع، یرجع، هم به معنای رفتن و هم به معنای بردن است، [برای مثال] می‌گویند فلان چیز را مرجوع کردند» (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۸۲)؛ و در ادامه، آیه را در حد ترجمه تفسیری بیان نموده‌اند.

در تفسیر آیه ۱۲ که شروع چهارمین بخش است؛ و خداوند شرایط پذیرش بیعت زنان تازه مسلمانی را بیان کرده؛ در شأن نزول آن، دو احتمال ذکر شده است؛ اینکه بعد از فتح مکه و جدای از سایر آیات سوره محل بحث نازل شده و یا در ادامه آیات سوره ممتحنه نازل گردیده باشند؛ آیت‌الله خامنه‌ای هر دو احتمال را جاری دانسته‌اند (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۹۱)؛ سپس شروط را مطابق آیه تفسیر و برای هر یک دلیلی ذکر کرده‌اند؛ برای نمونه در شرط نخست: «عَلَى أَنْ لَا يَشْرِكَنَّ بِاللَّهِ شَيْئاً»؛ این تعلیل که مرز بین ایمان به خدا و کفر به خدا همین است و شرک مطرح در آیه را شرکی دانسته‌اند که در آن روز، در مکه بود؛ یعنی بُت‌هایی در کنار خدا، صاحب اختیار و حلّ و فصل

امور عالم؛ ایشان گستره شرک را گسترده‌تر و شامل طواغیت دانسته‌اند که انسان‌هایی آن‌ها را شریک خدا شمرده و به عبودیت و ربوبیت پذیرفته‌اند (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۹۳)؛ و در شرط سوم: «وَلَا يُزِينَنَّ»؛ بعد از ترجمه و توضیح، به نکته مهم جامعه‌شناسی اشاره کرده‌اند: «بنای اجتماع اسلامی بر عطف محبت‌ها میان افراد خانواده است و زنا، این گل زیبا و خوشبوی محبت و عشق و عاطفه خانوادگی را خشک می‌کند؛ گناهی است به این بزرگی» (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۹۸)؛ و در شرط پنجم: «وَلَا يُأْتِيَنَّ بُهْتَانٍ يَفْتَرِيْنَهُ بَيْنَ أَيْدِيْهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ»؛ ابتدا به مفهوم واژه «بُهْتَان» توجه داده‌اند: «بُهْتَان، یعنی تهمت بزرگ؛ تهمتی که طرف را مبهوت می‌کند» و در تفسیر آیه گفته‌اند: «شرط این است که این زن‌ها به شوهرهایشان بُهْتَان نزنند؛ بُهْتَانی که مربوط است به جلوی دست و پایشان؛ این کنایه است، تعبیر کنایی است؛ یعنی فرزندی که از آن غیر است به شوهرشان نسبت ندهند؛ و در ادامه به غیریت مسأله زنا و نسبت دادن فرزند به شوهر توجه داده و حکمت آن را اهمیت و حساسیت اطمینان مرد به امانت‌داری و عفت همسر و تأثیر خیانت زن، در تخریب خانواده برشمرده‌اند (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۱۰۰)؛ و در ششمین شرط: «وَلَا يُعْصِبَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ»؛ به جایگاه ویژه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله اشاره کرده‌اند: «اینکه آیه نگفته خدا را معصیت نکنند، به خاطر این است که اولاً چیزی که پیغمبر بگوید، حتماً خدا گفته؛ و با استشهاد به آیه: «مَنْ يَطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» (نساء: ۸۰)؛ آیه محل بحث را تفسیر کرده‌اند؛ ثانیاً پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ولی امر مسلمین است؛ حرف خدا را از زبان پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله باید شنید» (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۱۰۱). ایشان در تفسیر عبارت پایانی آیه: «وَأَسْتَغْفِرُ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» نکته مهم حکومتی را تذکر داده‌اند که باید مورد توجه مدیران جامعه قرار داشته باشد؛ اینکه ملاک و میزان در گزینش فرد و سپردن مسئولیت به او، بعد از ایمان به خدا، حال فعلی اوست؛ و فرموده‌اند: «اگر شخصی قبلاً مبتلا به فساد اخلاقی بوده و در حال حاضر اظهار پشیمانی کرده و با نیت خالص، ما بگوئیم: شما قبلاً آدم بدی بودید، این فساد اخلاق را داشتید، [پس] حالا ما شما را قبول نمی‌کنیم، نه این درست نیست... البتّه «فَأَمْتَحِنُوهُنَّ» (ممتحنه: ۱۰) هم اینجا هست؛ یعنی جوری نباشد که سرتان کلاه برود (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۱۰۴)؛

ایشان آخرین آیه که خطاب به مؤمنان است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ» (ممتحنه: ۱۳) را جمع‌بندی مطالب آیات پیشین سوره دانسته که از پیوند و دوستی با کسانی نهی کرده که خدا بر آنان خشمگین است؛ و معتقدند برخلاف نظر برخی مفسران که به قرینه «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الْضَالِّينَ» (حمد، ۷)؛ یهود را مصداق «غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» معرفی کرده‌اند، تعبیر آیه محل بحث به یهود منحصر نمی‌شود، بلکه

به دلیل آیه ۹ همین سوره، شامل کفاری می‌شود که این ویژگی را دارند که با مؤمنان می‌جنگند، با دشمنان آنها هم پیمان شده و توطئه می‌کنند (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۱۰۹)؛

۲-۲. تدبیر

همان‌طور که ذکر شد، تدبیر ابزاری در خدمت تفسیر، برای فهم عمیق مقاصد الهی است که ظواهر الفاظ، روشنگر آن‌ها نیستند و صرف تفسیر آیات، قابلیت دست‌یابی به آن مقاصد را ندارد، مفسر با تدبیر در مقصود خداوند از آیات، به لایه زیرین و غیرظاهر الفاظ دست می‌یابد؛ بنابراین تدبیر، در عرض تفسیر نیست، بلکه لازمه آن و وسیله شفاف‌سازی معارف قرآن، در سایه اصل جهان‌شمولی و جاودانگی قرآن می‌باشد و نیز غیر از تطبیق است که یافتن مصادیق غیرحاضر در عصر نزول قرآن را برعهده دارد. آیت‌الله خامنه‌ای به تدبیر در آیات و درک عمیق‌تر معارف آن‌ها، توجه خاصی دارند و نتیجه آن را در ضمن تفسیر بیان می‌کنند؛ برای مثال: با ریشه‌یابی دشمنی امروز استکبار جهانی با ملت ایران، به نکته مهمی اشاره کرده‌اند که اسباب بصیرت‌زایی برای مخاطبان را فراهم می‌نماید: «اگر چنانچه ما به اسلام معتقد نبودیم یا اگر به اسلامی معتقد بودیم که آن اسلام نیم بیش‌تری از احکام را نداشت و به بسیاری از عقاید خود و احکام و شرایع خود آراسته نبود، مانند اسلام بسیاری از کسانی که امروز در این منطقه و در هر جای دیگر نوکرهای آمریکا هستند؛ اسلام بی‌جهاد، اسلام بی‌امر به معروف و نهی از منکر، اسلام بی «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱) و قرآن بدون آیات فراوان حرکت انبیاء، اگر ما به این چنین اسلام و قرآنی معتقد بودیم، یقیناً با ما هیچ کار نداشتند؛ کما اینکه می‌بینید کاری ندارند (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۲۰)؛ و یا با تدبیر، نکته‌ای راهبردی را متذکر شده‌اند: اینکه گاه مؤمن بدون اینکه ایمانش را از دست دهد، خیانت می‌کند؛ با این تعلیل که می‌پندارد خیانت به خدا، رسول، انقلاب و رهبر وقتی است که انسان به خیانت خود آگاه بوده و با نیت، به آن اقدام کند. درحالی که گاه ندانسته خیانت می‌کند؛ وقتی که حرفی را نباید بزند و اطلاعاتی را در اختیار دوست یا فلان گروه و سازمان که می‌داند در خدمت جمهوری اسلامی استفاده نمی‌کند، بگذارد؛ ایشان، شخص را مخاطب آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ» (انفال، ۲۷)؛ تلقی کرده‌اند. (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۲۷).

همچنین گفته‌اند: «امکان هم ندارد که انسان بخواهد در راه يك اندیشه‌ای و يك مکتبی مبارزه کند و دشمنان آن مکتب را دوستان خود بشمارد؛ ... مبارزه با يك مکتب در عملی‌ترین شکل و مؤثرترین شکل عبارت است از مبارزه با پیروان آن مکتب و دفاع از يك مکتب، در عملی‌ترین شکل عبارت است از دفاع در مقابل دشمنان آن مکتب (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۴۱)؛

ایشان گریزی به شبهه‌پراکنی برخی معاندان زده‌اند که جمهوری اسلامی غیرمتدینان به اسلام را به‌خاطر فکر و عقیده‌شان، تحت فشار قرار می‌دهد؛ ایشان با تکذیب این گفته، موضع حکومت اسلامی را اعلام کرده‌اند: «ما هیچ‌کس را فقط به‌خاطر عقیده غیراسلامی‌اش زیر فشار قرار نمی‌دهیم و با او قطع رابطه نمی‌کنیم و احسان خودمان را نسبت به او دریغ نمی‌نماییم؛ مگر اینکه این فردی که اعتقاد غیراسلامی دارد، شمشیر علیه ما بلند کند و با ما معارضه نماید» (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۷۰)؛ همچنین در موضوع قطع رابطه زوجیت زنان تازه مسلمان با شوهر کافرشان و لزوم برگرداندن مهریه آنان، به نکته مهمی اشاره کرده‌اند که اغلب مورد توجه قرار ندارد: اینکه آن مردان، ارزش معنوی و انسانی این زن و برتری ارزش الهی او بعد از ایمان به خدا را درک نمی‌کنند، بلکه ارزش برای آن بیچارگان، مادیات است (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۸۲-۸۳)؛ همچنین با استفاده از مطلب آیه شریفه، تأکید نموده‌اند که با چنین زنان محترم و شریف که خطر کرده و حرکت بسیار مهمی انجام داده، مانند یک خانم آزاد که از قبل با خانواده هجرت کرده، باید رفتار شود (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۸۳)؛

ایشان به مناسبت عقیده توحیدی را هم تبیین کرده‌اند: «توحید، یعنی خدای متعال در عالم تکوین و عالم تشریح، یگانه فعال، یگانه صانع، یگانه خالق، یگانه رب، یگانه اداره‌کننده و مدبّر است؛ هم تکوین عالم دست خدا می‌باشد، یعنی آفرینش تکوینی، هم تشریح عالم دست خدا است، یعنی نقشه و برنامه‌ای که انسان‌ها باید بر طبق آن برنامه زندگی کنند، بر طبق آن قانون زندگی نمایند؛ از این روست که ما می‌گوییم قانون زندگی انسان باید از خدا الهام گرفته شود» (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۸۳)؛ و درباره شروط مربوط به بیعت زنان گفته‌اند: آن‌ها به‌حسب ظاهر و در وهله نخست، حکم فقهی‌ای هستند که وظیفه زنان تازه مسلمان را توسط ولیّ امر مؤمنان یعنی رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله هنگام پذیرش روشن می‌کند، لکن در اثنای آن، گوشه‌های ناشناخته‌ای از بینش دینی و نگرش اسلام به انسان‌ها؛ به زن، به مرد، خانواده، گناه و توبه هم شناخته می‌شود که با تدبیر در آیه فهمیده می‌شوند. این سخن، اهمیت جایگاه تدبیر و تأثیر آن در شناخت لایه‌های عمیق آیات الهی، از دیدگاه ایشان را روشن می‌کند که باید مورد توجه قرار گیرد.

آیت‌الله خامنه‌ای به موضوع حکومتی بیعت مسلمانان با ولیّ امر اشاره کرده و نتیجه گرفته‌اند که اگر کسی ایمان بیاورد ولی بیعت نکند، در جامعه اسلامی پذیرفته نیست و نمود بیعت در عصر حاضر را شرکت در راهپیمایی‌ها، اجتماعات مردمی، تظاهرات و رأی‌گیری و نظائر این‌ها دانسته‌اند که نشان حضور افراد در معرکه و عزلت‌نگزیدن است و به‌دنبال آن، میان آن‌ها و ولیّ جامعه پیوندی به‌وجود می‌آید (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۱۰۳)؛ کشف این نکات تنها با تدبیر در آیات و دسترسی به مقصود اصلی خداوند، قابل فهم است و الا ظاهر الفاظ و تفسیر آیه، اشاره‌ای به آن‌ها ندارد.

۲-۳. تطبیق

اصل فراشمولی و جاودانگی قرآن و جریان‌پذیری آن در زمان و قابلیت انطباق بر شرایط و مصادیق جدید، مستلزم آن است که همه انسان‌ها بدون محدودیت زمانی، جغرافیایی، زبانی، نژادی و جنسیتی، مخاطب پیام وحی و فرامین قرآن و هدایت‌پذیری از آن باشند و پیام‌های قرآن را درک کنند، این ویژگی قرآن که در روایت‌های تشریح شده، به اصل «جری و انطباق» نامور گشته است (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۱/ ۱۶۷)؛ وظیفه مفسر قرآن، در ضمن تفسیر، با تدبیر در معارف قرآن، استفاده از این اصل مهم است که با تطبیق دادن آیات بر مقتضیات و رخدادهای هر عصر و جغرافیا، مقصود خداوند در مصادیق غیرسبب نزول را روشن می‌سازد؛ بنابراین تطبیق، نه جزئی از عملیات تفسیر است و نه در عرض آن، بلکه ابزاری می‌باشد برای استفاده از کلام وحی در آینده و بهره‌مندسازی مخاطبانی که در عصر نزول، حضور نداشته‌اند. آیت‌الله خامنه‌ای از نادر مفسرانی هستند که در ضمن تفسیر، به اصل مذکور فراتر از تطبیق‌هایی که اخبار مآثور از معصومان: بیانگر آن هستند، توجه و آن را پیاده کرده‌اند؛ برای مثال در نخستین آیه: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»، توجه حاضران در جلسه و به تبع جامعه مسلمان را به خطاب قرآن جلب کرده‌اند که عامل اثرگذاری در درک بهتر پیام قرآن می‌تواند باشد؛ به بیان دیگر، مخاطب فعلی هم خود را در محضر قرآن می‌یابد و با آن انس بیش‌تری می‌گیرد. ایشان با تطبیق مفاد آیه بر زمان کنونی و با تکیه بر فرایند حکمرانی دینی، توضیح داده‌اند: شما معتقدید که احکام، مقررات، قوانین، معیارها و ملاک‌ها را نباید از شرق و غرب یا از انسان‌های ناقص‌العقل و یا عُرف و عادات بگیریم، بلکه از خدا بگیریم؛ دشمنان این را قبول ندارند و مسخره می‌کنند، این‌ها را ارتجاع و خرافات می‌دانند. همچنین شما معتقدید که نباید زیر بار ظلم و حکومت‌های جائر جهانی و تحمیل آن‌ها برویم، ولو تنها باشیم، به اتکاء خدا و توکل بر او، هنگامی که لازم شد، با همه این قدرت‌ها روبه‌رو شویم؛ آن‌ها این را قبول ندارند. شما تحمیل بر انسان‌ها، مستضعفان و افراد جامعه را قبول ندارید، اما آن‌ها اهل تحمیل بر جامعه‌اند. در ادامه حکم الهی درباره کافری که تعرض و دشمنی نکرده، حتی اگر حرف مؤمنان را قبول نداشته باشد، بیان و معتقدند که مسأله ما، مسأله اختلاف عقیده نیست، بلکه دشمنی و تعرض به مؤمنان است (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۱۹)؛ ایشان، همچنین توجه به این نکته را لازم دانسته‌اند که در دوران معاصر، دشمن فهمیده مهم‌ترین عامل اتحاد مسلمانان، ایمان اسلامی است و بهترین راه، گرفتن ایمان از آنان می‌باشد؛ به این جهت برنامه درازمدت و گسترده‌ای را شروع کرده، و موفق هم شده است (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۴۳)؛

آیت‌الله خامنه‌ای با تطبیق حال ملت مبارز ایران با آیه شریفه، گفته‌اند: «امروز الحمدلله شور و حماسه و هیجان و مبارزه، با دعا و تضرع و ابتهاج و گریه برای خدا آشتی کرده‌اند و هر دو مکمل شخصیت انسان‌های این روزگار شده‌اند و این همان نوع درست است که در صدر اسلام هم رهبان‌اللیل و اسدالتهار داشتیم» (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۵۷)؛ و نیز معتقدند: «ما امروز هم در جامعه خودمان داریم، در خارج از کشور خودمان هم داریم کفاری که به حسب ظاهر، حتی ادعای دوستی هم با ما می‌کنند، اما از پشت خنجر می‌زنند و ما سوزش خنجر آن‌ها را که تا اعماق وجودمان وارد می‌شود احساس می‌کنیم» و راه‌حل مشکل را این چنین بیان کرده‌اند: «منتها [چون] خدا با ما است، از پا نمی‌افتیم» (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۷۲)؛ ایشان سخن امیر مؤمنان علی علیه‌السلام: «وَ اللَّهُ لَا أَكُونُ كَالصَّبْعِ تَنَامَ عَلَى طُولِ اللَّدْمِ» (نهج البلاغه، خطبه ۶)، و تشابه اوضاع امروز مملکت ایران با آن را بیان کرده‌اند: «ما هم گنج نیستیم؛ ما می‌دانیم در جامعه خودمان و همین‌طور در خارج از این جامعه، کفاری که علی‌الظاهر هم ادعای طرف‌داری و ادعای حمایت می‌کنند چه ضرباتی تاکنون زده‌اند و دارند می‌زنند (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۷۳)؛

ایشان از دیدگاه یک رهبر جهانی، این آیات را راهنمای روشنی برای سیاست خارجی کشور می‌دانند و حتی نسبت به سیاست داخلی و کسانی که گروه‌های محارب داخلی را با انواع کمک‌ها، تقویت می‌کنند تسری داده و مشمول سخن وحی: «فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (ممتحنه، ۹) دانسته‌اند؛ که ظالم بودن آنان، ناشی از اتخاذ سیاستی است که با سیاست الهی در تضاد می‌باشد و علیه سیاست یک اجتماع که خواسته روی پای خود بایستد (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۷۳)؛ نکته جالب اینکه ایشان ضمن بررسی جامعه ایران پیش از انقلاب، آن را طاغوتی دانسته‌اند با این تحلیل که انسان‌ها در آن، به دو گروه تقسیم شده بودند: گروهی که در برابر استعباد طاغوت، مقاومت می‌کردند که ثواب خداوند شامل آنان است و گروه دیگری که تسلیم و برده طاغوت بودند، گرچه سرانجام خداوند جامعه را از ظلمت به نور وارد کرد: «يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (بقره، ۲۵۷)؛ آنگاه نتیجه گرفته‌اند: «جامعه امروز ایران، از هرکس که اطاعت می‌کند به‌عنوان اطاعت از خداوند است (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۹۵)؛ و با این تبیین، مرز اصلی بین جامعه ایمانی و جامعه غیر ایمانی، را کلمه «شُرک و توحید» بیان کرده‌اند نه کفر به خدا و توضیح داده‌اند: ممکن است کسی خدا را قبول داشته باشد و شرک هم بورزد؛ پس باید از شرک خارج شود (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۹۵)؛ ایشان در تفسیر آیه، حکم خداوند به شرک نوزیدن را قانونی فراگیر؛ شامل زنان و مردها دانسته‌اند.

ایشان با انطباق موضوع سقط جنین که برنامه‌ای استعماری و شایع در عصر کنونی است، بر قتل فرزند تازه متولد شده در جاهلیت گفته‌اند: «گاهی هم این بچه را در حال حمل به وسیله سقط می‌کشند؛ یعنی سقط جنین می‌کردند. این را هم بدانید که سقط جنین هم قتل نفس است. سقط جنین با کشتن بچه زنده در دنیا هیچ فرقی ندارد... کشتن بچه، کشتن است، چه در رحم، چه در بیرون رحم. بنابراین این هم یکی از محرمات کبیره است که پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله این‌ها را نهی کرد» (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۹۹)؛

۳. نوآوری‌ها

تفسیر آیت‌الله خامنه‌ای از سوره ممتحنه، نشان از نوآوری‌های ایشان در این ساحت دارد: الف) کشف لایه‌های نا آشکار: تدبر در آیات، که با گذر از ظواهر صورت می‌پذیرد و به کشف معارف عمیق‌تر و لایه‌های زیرینی از قرآن منجر می‌شود و مخاطب را به تفکر در حقایق نهفته سخن وحی هدایت می‌کند، نوآوری ایشان در نگارش تفسیری در برخی آیات سوره است؛

ب) استفاده متعدد از اصل جری و تطبیق: ایشان صرفاً به تفسیر آیات و پرده‌برداری از ظواهر الفاظ نپرداخته‌اند، بلکه محتوای آن‌ها را به گونه‌ای بر رخداد‌های متأخر از عصر نزول، تطبیق داده‌اند که انسان عصر کنونی، هم خود را مخاطب سخن و مورد اشاره آیات می‌بیند و ضرورت پیاده‌سازی پیام‌های قرآن در زندگی امروزین را درمی‌یابد؛ این امر، بر وسعت دید مفسر و تلاش در تفهیم زنده بودن قرآن در طول تاریخ بشر دلالت دارد.

ج) محدود نشدن در ادبیات واژگانی: ایشان برخلاف گروهی از مفسران که در تفسیر، به صورت گسترده به بیان ادبیات واژگانی، پرداخته و خود را در ذکر نکات ادبی آیات محدود کرده‌اند، شرایط و مقتضای حال مخاطب، را لحاظ کرده و به تناسب آن، به تبیین معارف پرداخته‌اند؛ از این رو در تفسیر برخی آیات از مفهوم‌شناسی واژگان و یا ربط ادبی آن‌ها به هم، اثری نیست و مهم در دیدگاه مفسر، فهم معارف قرآن است؛ این ویژگی، رویکردی خاص است که مخاطب را در حالتی ثابت و تعریف شده از تفسیر رها نمی‌کند، بلکه او را به فهم معرفتی، فراتر از ادبیات و قوانین متعارف در محدوده الفاظ، سوق می‌دهد.

۴. مشترکات و تمایزات

هر مفسر، قطعاً وجوه مشترکی با سایر مفسران دارد، چنانچه به لحاظ فکری و گستره آن، هم وجوه متمایزی خواهد داشت، برای روشن شدن نقاط مشترک و تمایز تفسیر آیت‌الله خامنه‌ای، با تفاسیر چهارگانه در سوره ممتحنه، به طور اجمالی عملکرد مفسران مورد نظر را بیان می‌کنیم:

الف) علامه طباطبایی، مفسر «المیزان»، پس از تقسیم سوره به دو بخش، ابتدا موضوعات مطرح در آیات را ذکر، و صدر و ذیل سوره را حاوی موضوع دوستی مؤمنان با کفار و نهی خداوند از آن دانسته، ولی به غرض سوره، تصریح نکرده و جریانی که سبب نزول سوره بوده را در ضمن مطالب بیان نموده است. همچنین در هر آیه، با بیان معنای واژگان اثرگذار، به ذکر نکات ادبی در آیات توجه خاص کرده و در انتهای هر بخش به‌طور مستقل روایات مربوطه را با عنوان «بحث روایی» نقل و بررسی نموده است. همچنین با تدبر در آیه، مطلبی بیان کرده که آگاهی و توجه نسبت به آن، برای مؤمنان مفید است؛ اظهار دوستی و مودت با دشمن مشرک، هرگز کدورت قلبی آنان و دشمنی‌شان نسبت به مؤمنان را از بین نمی‌برد، بلکه همواره مترصد فرصتی برای سلطه و گمراه کردن مؤمنان هستند؛ ایشان مراد از «قوم غضب الله علیهم» را یهود دانسته و شاهد آن را آیه ۶۱ سوره بقره ذکر نموده است. از نظر مفسر، مهم، فهم دقیق معارف آیات می‌باشد و از تطبیق آن بر حوادث و آیندگان سخنی نگفته است. (المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۱۹، ذیل سوره)؛

ب) آیت‌الله مکارم در تفسیر نمونه، ابتدا به ترجمه آیات پرداخته و سپس شأن نزول که در صورت لزوم به‌صورت مستقل ذکر شده، پس از آن با ترجمه تفسیری آیات همراه با تفسیر و ذکر شواهد از تفاسیر دیگر و نکات ادبی و مفهوم‌شناسی واژگان در صورت لزوم، آیات را تفسیر می‌کنند. ایشان مطالب فراتفسیری را با عنوان «نکته‌ها» بیان نموده است. در سوره ممتحنه، واژه «غضب الله» از آیه پایانی را تذکر داده که غضب الهی منحصر به یهود نیست، بلکه منافقان را هم شامل می‌شود و شأن نزول، آیه را محدود نمی‌کند (تفسیر نمونه، ۲۴ / ۸ - ۵۳). ایشان با تدبر، معارفی از آیات استفاده کرده است؛ مانند اینکه علم خدا به غیب و شهود در آیه ۳، را وسیله‌ای برای تربیت انسان شمرده‌اند (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۱۵)؛ با وجود تفسیر و تدبر در آیات، ایشان به تطبیق موارد فرازمانی و فراملیتی با آیات سوره نپرداخته است.

ج) ابن‌عاشور از مفسران اهل سنت، با تمرکز بر معنای لغات، نکات ادبی و بلاغی، شأن نزول، روایات از صحاح و منابع حدیث و تاریخ اهل سنت و نیز اشعاری از شعرای مشهور عرب در موارد لزوم و نیز معنای آیه با صلاح‌حدید مفسر، به تفسیر پرداخته است. مراد از «عدو» و «قوماً غضب الله علیهم» را یهود دانسته (التحریر والتنویر: ۲۸ / ۱۱۸)؛ به نظر می‌رسد که مفسر، با وجود توجه دقیق به نکات ادبی در واژه‌شناسی، روایت‌های تاریخی و تفسیر ادبی آیات و استفاده از منابع متعدد تفسیری، ولی بر تطبیق آیات بر رخدادهای اعصار و امصار بعد از نزول قرآن عنایت نداشته و تدبر و فهم معارف قرآن در این‌گونه حوادث را به مخاطب واگذاشته است.

د) سید قطب، مفسر اهل سنت در «فی ظلال القرآن»، با رویکرد اجتماعی- تربیتی سوره ممتحنه را بدون دسته‌بندی آیات تفسیر کرده و معتقد است که سوره مذکور، حتی آیات تشریحی پایان آن، در بعدی فراتر از شأن نزول آن؛ برای تحول و خروج انسان از فضای محدود زندگی شخصی به افقی جهانی نازل شده تا موازین و نگاهی نو از هستی و حیات انسان و وظیفه مؤمنانه را به او ابلاغ کند. از نظر وی قرآن در این سوره، مؤمنان را در چند مرحله هدایت کرده؛ آشنایی با جایگاه پیشین ایمان به خدا و خصومت کفار و مشرکان با مؤمنان و اینکه دشمن، خواستار بازگشت مؤمنان به کفر است: «وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ» (ممتحنه، ۲)؛ سپس لزوم قطع رابطه قلبی مؤمنان از کفر و شرک؛ که می‌تواند زمینه دوستی با دشمنان را پیش آورد «لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ» (ممتحنه، ۳)؛ و در ادامه الگو بودن ابراهیم علیه السلام در عقیده و سیره عملی در مواجهه با دشمنان خدا و برائت از آنان؛ و درباره غیر معارضان، رفتار دوستانه را تجویز کرده است. مفسر این نکته را اساس اسلام دانسته که شریعتی حکومتی و دین سلیم و محبت و حاکمیت حیات انسانی است که همه انسان‌ها، جز معاندان، در آن حق زندگی دارند. وی درباره قید «معروف» در عبارت: «لَا يَعْصِيكَ فِي مَعْرُوفٍ» (ممتحنه، ۱۲)؛ معتقد است: اطاعت امت از امام و ولی امر جامعه مطلق نیست، بلکه مشروط به موافقت آن با شریعت اسلام است! و قدرت حکومت را برگرفته از شریعت الهی دانسته، نه اراده امام یا امت. وی مراد از «قوماً غضب الله عليهم» را اعم از مشرکان و یهود دانسته است (فی ظلال القرآن: ۶/ ۳۵۳۶-۳۵۴۸)؛

۴-۱. مشترکات

منظور از موارد مشترک، یکسانی و مشابهت عملکرد تفسیری است که در موارد زیر نمود دارد:

الف) رویکرد اجتماعی: سوره ممتحنه مضمونی اجتماعی دارد که زمینه پردازش این رویکرد، از سوی مفسران مذکور شده است که با میزانی متفاوت به تبیین معارف اجتماعی قرآن پرداخته‌اند؛

ب) استفاده از روایات: قرآن بدون نیاز به غیر، مبین خود است و سخن معصومان در روایات، نقش مؤید برای معارف آن را دارند؛ و همین امر مفسران را به استفاده از روایات، برانگیخته است. در تفاسیر گزینش شده نیز روایات مورد بهره‌برداری قرار گرفته شده است.

ج) نگاه تربیتی: اینکه قرآن برای هدایت بشر نازل شده و سوره ممتحنه هم از این قاعده مستثنا نیست و برخی آیات آن، به لزوم حفظ رابطه انسانی با کفار غیر معاند و تازه مسلمانان پرداخته و رعایت حقوق آن‌ها را از الزامات ایمانی برشمرده است.

د) تدبیر: گاه مفسر با تدبیر در محتوا، معارفی متخذ از متن را استدراک می‌کند که ظاهر آیه به آن اشاره ندارد؛ دریافت چنین معارفی، ضمن انتقال شخص به لایه‌های زیرین قرآن، رشد فکری و

عقلانیت را هم در پی دارد. البته کشف لایه‌های عمیق‌تر به سطح دریافت‌های مفسر از پیام‌های الهی بستگی تام دارد و همین امر تفاوت مفسران را سبب می‌شود. مفسران جز ابن‌عاشور، به تدبر در آیات، توجه داشته و با استفاده از آن، نکاتی عمیق را استخراج کرده‌اند که مواردی از آن بیان شده است.

۴-۲. تمایزات

تفسیر سوره ممتحنه در گویش حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ویژگی‌های ممتازی دارد که آن را از تفسیر مفسران گزینش شده متمایز می‌کند؛ در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود؛ الف) بیان غرض: یکی از مهمات در عملیات تفسیر، تشخیص غرض خداوند، پیش از تفسیر سوره است که عامل مهم و تأثیرگذاری در کشف پیوستگی اجزای پیام الهی و یافتن اهداف اصلی و فرعی از کلام خواهد بود؛ هدف اصلی در نظر آیت‌الله خامنه‌ای در سوره مذکور؛ این است که مسلمانان بیاموزند که حدود و مرزها را در برابر دشمن گم نکنند و نرمش نشان ندهند و الا دشمن، آنان را گمراه و نابود می‌نماید.

ب) توجه ویژه به موضوع حکمرانی دینی: آیت‌الله خامنه‌ای مفسری مبارز است با این عقیده که احکام حکومتی، باید از سوی خداوند تعیین و حاکمیت جامعه به صالحان و افراد متقی جامعه سپرده شود تا ملت به رستگاری مبتنی بر تدبیر الهی رهبری و به رشد و شکوفایی ظرفیت‌های والای انسان و قرب به خداوند نائل شود؛ ویژگی متمایز ایشان از سایر مفسران ذکر شده، در طی تفسیر سوره، پافشاری بر حکمرانی دینی و نفی حکومت طاغوتیان است.

ج) تطبیق: قرآن کتابی جهانی، با هدف هدایت بشریت در همه اعصار است؛ تحقق این هدف، تنها از طریق استخراج پیام‌های الهی و تطبیق حوادث هر عصر و مصر با آن‌ها توسط مخاطب و مفسر است تا زنده بودن قرآن، برای همگان آشکار شود و الا هرگز نمی‌توان آن را حلال گمشده‌های بشریت دانست. معظم‌له از نوادر مفسرانی هستند که با تطبیق رخداد‌های انقلاب اسلامی ایران و سیاهکاری‌های استکبار جهانی بر محتوای آیات در سوره ممتحنه، بُعد جهان‌شمول قرآن و قابلیت استفاده از آن در برون‌رفت ملت‌ها از آثار مخرب سلطه دشمنان و ساختن دنیای متعالی انسانیت را ظاهر ساخته‌اند.

د) نگرش جهانی: یکی از اصول مهم در تفسیر، وسعت دید مفسر است؛ درک اینکه آیات، در واژه‌شناسی و ادبیات لغات و تعابیر محصور نیستند، بلکه واژگان، معبری برای کشف قله‌های معارف قرآنی خواهد بود و مفسر باید جهان‌شمولی قرآن در خطاب پیام‌های وحی به همه بشریت را درک کند. روابط انسانی، عوامل رشد و تقویت و موانع آن، در سطح جهانی از موضوعات مهمی است که قرآن بر آن تأکید کرده و مفسر قرآن باید آن‌ها را به گونه زنده، استخراج و متناسب با شرایط جامعه و

افکار عمومی، جان و روح مخاطبان خود را از آن سیراب نماید، در غیر این صورت قرآن، کتابی بر طاقچه خواهد شد. آیت‌الله خامنه‌ای از معدود مفسرانی است که نظر خود را به تبیین مواضع جهانی و بین‌المللی قرآن، و شکوفاسازی پیام‌های آن در سطح جامعه معطوف کرده است.

۵. دیدگاه‌های سیاسی

در بُعد اجتماعی - تربیتی، با گزینش سور مدنی، دیدگاه‌های سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، ظهور چشم‌گیری می‌یابد؛ در این باره فرموده‌اند: «نوع مطالب و مسائلی که بعد از تشکیل حکومت برای يك جامعه لازم است، با نوع مطالب و مسائلی که [مربوط به] حین مبارزه مردم برای تشکیل حکومت اسلامی است، فرق می‌کند؛ کما اینکه شما در جامعه خودمان هم این را مشاهده می‌کنید. امروز شما يك مسائلی دارید که این مسائل پیش از بهمن ۵۷ برای شما وجود نداشت و مطرح نبود؛ آن روز مسائلی داشتید که امروز برای شما مطرح نیست. برای مثال مسأله منافقین و نفاق، مسأله عدالت اجتماعی، مسأله حکومت، مسأله جهاد در جبهه‌های جنگ و ده‌ها مسأله از این قبیل، مسائل عمده بعد از تشکیل حکومت است و این مسائل همان مسائلی می‌باشد که در آیات مدنی بیش‌تر به آن‌ها پرداخته شده است.» (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۷). ایشان ضمن تأکید بر لزوم صف‌بندی با دشمن معارض، درباره گروهک‌های معاند، معتقدند که تغذیه همه‌جانبه آن‌ها توسط دشمنان نظام اسلامی صورت می‌گیرد و مقصودشان هم واژگون کردن این نظام و ضربه زدن به آن می‌باشد، ما نمی‌توانیم از آن‌ها بگذریم. ایشان مبارزه با آنان و طراحان حرکت آن‌ها را، اصلی عقلائی و روشی معمولی و پذیرفته‌شده از سوی همه انسان‌ها و صاحبان عقل می‌دانند (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۲۹)؛

ایشان جمع میان علاقه‌مندی به یک مکتب و دوستی با دشمنان آن مکتب را غیرممکن دانسته و کسانی را که خیال می‌کنند با کمک کردن به دشمن می‌توان از دشمنی او کاست، ساده‌لوحانی شمرده‌اند که نفهمیده‌اند دشمن حتی با آن‌ها هم دشمن است (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۳۰)؛ صف‌بندی میان دوست و دشمن خدا، اصل بسیار مهمی در روابط بین‌الملل است که تنها پای‌بندی به آن، نجات‌بخش ملت‌های مستضعف از یوغ استعمارگران است و بی‌توجهی به آن، ریشه همه عقب‌ماندگی‌ها و تحقیرهایی است که حاکمان ملت‌های مستضعف به‌خصوص مسلمانان، آن را تحمل کرده و هرگز توان ایستادن و رشد نیافته‌اند. ایشان در پاسخ به خودتحقیری گروهی، معتقدند: «دستگاه حکومت ایران از کسی نوکری نمی‌خواهد، جمهوری اسلامی نوکر نمی‌خواهد، [بلکه] برادر می‌خواهد، همکار می‌خواهد، هم‌رأی می‌خواهد؛ کس دیگری هم که بحمدالله بر ما مسلط

نیست که بگوئیم او نوکر می‌خواهد؛ همه ما بندگان خدا هستیم. اما اگر آن‌ها آمدند، آن‌ها ارباب هستند و نوکر می‌خواهند؛ این‌ها را نوکر خواهند گرفت (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۳۱)؛

همچنین ایشان رویش مکاتبی مانند مارکسیسم که دین را مخدّر ملت‌ها می‌داند را ابزاری در دست حکومت‌های استعمارگر برای طرد دین از زندگی بشر شمرده و التقاط را خطری از ناحیه آنان برای جوامعی می‌دانند که پایبند به دین بوده، ولی در مقابل دشمنان مقاومت نکرده‌اند؛ در این زمینه پیوستن گروهی از تحصیل‌کردگان، به آن مکاتب در ممالکی مانند ایران پیش از انقلاب را گرفتاری در دام التقاط و مقابله و جنگ با هموطنان خود دانسته‌اند و منشأ این گرفتاری را بی‌توجهی به آموزه قرآن در لزوم جداسازی صف از دشمنان برشمرده‌اند (ر.ک: خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۴۴)؛

اعلان اساس دعوت جهانی اسلام که مجموعه‌ای مرکب از سه اصل مندرج در منشور ابراهیمی علیه‌السلام است و در روابط بین‌المللی باید نصب‌العین همه عقلا به‌خصوص انسان‌های مؤمن قرار گیرد: برائت از دشمن، کفر به نظام فکری و عملی آنان و دشمنی آشکار با مخالفان ایمان به خدا و در سخنی صریح بیان کرده‌اند که در غیر این صورت، شخص نباید خود را مؤمن بداند؛ چنانچه بسیاری از حاکمان کشورهای مسلمان، با ادعای مسلمان بودن، عملاً با دولت‌مردان کفر و عناد، مقابله نمی‌کنند (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۴۸)؛ ایشان پناه بردن به دشمن یا تسلیم شدن در برابر خواسته‌های او به‌عنوان راه برون‌رفت از مشکلات و رنج‌های ناشی از معارضه با کفر را به‌شدت نفی کرده و تنها توکل بر خدا و یاری جستن از او همراه با دعا را، راه نجات دانسته‌اند (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۵۵)؛

در نگرش قرآنی آیت‌الله خامنه‌ای با استناد به آیات، عوامل محبت و دوستی باید از امور احساسی، خارج و تابع عامل عقلانی؛ یعنی ایمان شود که در این حوزه، با قطع علقه‌های محبت غیرخدایی، احسان و عدالت و رفتار مسالمت‌آمیز، اساس روابط قرار خواهد گرفت، در این وضعیت هرگز مخالفت عقیدتی، عامل قطع رابطه نیست، بلکه قطع مراودات به دشمنی و معاندت، محدود می‌شود (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۷۰)؛ ایشان با استفاده از سخن امیرالمؤمنین علیه‌السلام: «وَاللَّهِ لَا أَكُونُ كَالصَّبْعِ تَنَامُ عَلَى طُولِ اللَّدْمِ» (نهج البلاغه، خطبه ۶)؛ که انسان غافل از دشمن را به گفتار تشبیه فرمود، غفلت از دشمن را نکوهش کرده و بیداری مقابل او را بر هر عاقلی امری ضروری تلقی نموده‌اند با این تعلیل که اغلب دشمن، انقلاب‌ها را برنمی‌تابد و با تهاجم، آن را تخریب می‌کند (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۷۲)؛ ایشان خصومت را به دشمنان خارجی محصور ندانسته، بلکه معتقدند که گروه‌هایی در داخل کشور هم گاهی به محاربه با مردم و حکومت دینی پرداخته و هماهنگ با دشمن خارجی فعالیت می‌کنند (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۷۵)؛

نکته دیگر اینکه ایشان با استناد به آیات قرآن، در عبارت: «وَلَا يَعِصِيكَ فِي مَعْرُوفٍ»؛ بیان کرده‌اند که سخن پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله سخن خداست و اطاعت از ایشان، اطاعت خداست، حضرت، ولیّ امر مسلمانان هستند و پیام خدا را باید از ایشان شنید، افزون بر اینکه طبق آیه: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء، ۵۹) بعد از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله اولی الامر مشخص شده که اطاعت از او، اطاعت از رسول و خدا محسوب می‌شود و در جامعه مسلمان، کسی حق ندارد به میل خود راهی را طی کند و سخن خدا و رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله را طبق میل خود تأویل کند، بلکه باید از نظامی که در رأس آن، ولیّ امر الهی قرار دارد، اطاعت نماید (خامنه‌ای، تفسیر سوره ممتحنه: ۱۰۱)؛ شایان ذکر است که ولیّ امر مسلمین، مجتهد جامع‌الشرایط و آگاه به دین و شرایط زمان خود، و توانمند در اداره جامعه است؛ براساس شرایط مذکور، سخن سید قطب که اطاعت از ولیّ امر جامعه را مشروط به موافقت آن با شریعت الهی دانسته، نادرست است.

نتیجه‌گیری

سوره ممتحنه با توجه به جوّ حاکم بر آن، راهنمایی جامع در اداره جامعه و مدیریت نظم در روابط گسترده انسانی با شرایط زمانی و مکانی بعد از عصر نزول است و در تبیین آن افزون بر شرایط لازم در تفسیر، مفسر باید از فقاهتی جامع نسبت به نظام جهانی برخوردار باشد و قرآن را فراتر از ادبیات، بلاغت، اخلاق و عبادت‌های فردی ببیند، بلکه آماده پیاده‌سازی آن، بر همه نظام‌های تربیتی - انسانی باشد. آیت‌الله خامنه‌ای با اشراف بر اوضاع و سیاست روز جهانی، الگویی جامع و قابل اجرا در عرصه جهانی و برای همه ملت‌های مسلمان و حتی غیرمسلمانان آزاداندیش ارائه و نشان داده‌اند که در تفسیر قرآن، سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، افزون بر نظام داخلی باید مدنظر باشد، چنانچه ایشان با گستره وسیع فکری و محاسبات بین‌المللی، به آن پرداخته و جهان‌شمولی پیام وحی را به خوبی و درستی درک و تبیین کرده‌اند و قطعاً این مهم، از امتیازات و نوآوری‌های تفسیری ایشان و ساری در تفسیر ایشان از سایر سُور قرآن است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن‌عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰). التحرير و التئوير. جلد بیست و هشتم. چاپ اول. بیروت: مؤسسة التاريخ العربی.
۴. جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۸۳). تسنیم. جلد اول. چاپ چهارم. قم: مرکز نشر اسراء.
۵. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۹). تفسیر سوره ممتحنه. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۶. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰). جلد نوزدهم. چاپ دوم. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۷. قطب، سید (۱۴۲۵ق). فی ظلال القرآن. جلد ششم. چاپ سی و پنجم. بیروت: دارالشرق.
۸. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق). کافی. جلد دوم. تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. جلد شصت و چهارم. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۰. مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. جلد بیست و چهارم. چاپ دهم. تهران: دارالکتب الاسلامیة.

